

مجموعه شعر

«لهجه ی سبز ترنم»

احمد فرجی

شهرستان شهریار

پائیز ۸۴

فرجی، احمد، ۱۳۳۹-

لهجه ی سبز ترم / احمد فرجی. -- تهران: محمد فرجی، ۱۳۸۴.

ISBN: 964-06-7294-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶۱ / ۶۲

PIR ۸۱۵۹/۷۵۷J۹

۱۳۸۴

م ۸۴-۲۱۰۰۴

کتابخانه ملی ایران

لهجه ی سبز ترم

احمد فرجی

چاپ اول: پائیز ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

طرح روی جلد: استاد سید محمد رفیق

صفحه آرای و تایپ کامپیوتری: پروین عباس زاده

لیتوگرافی: جاووش

چاپ و صحافی: فراز اندیش سبز

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۷۲۹۴-۰۶-۹۶۴

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

فهرست سرود ها

صفحه

عنوان

۱.....سخنی با مخاطبان آشنا

• بخش اول : غزل ها و قطعات

۷.....خاموشی چرا؟

۸.....تبر

۹.....خارستان

۱۱.....غریب آشنا

۱۲.....لحظه ها

۱۳.....یار آینه ها

۱۴.....باران محبت

۱۶.....نگذارید

۱۸.....زمستان

۱۹.....غربت شب های شاعر

۲۰.....آی مردم

۲۱.....سکوت

۲۲.....اتل متل

- ۲۳..... سنگ صبور
- ۲۴..... حرمت
- ۲۵..... آینه ها
- ۲۶..... عصر کبود
- ۲۸..... روسری سپید
- ۲۹..... بس کنید
- ۳۰..... سیب و گل
- ۳۲..... روح بلند عشق
- ۳۴..... گیسوی غزل
- ۳۵..... کلافه
- ۳۶..... بی انتها
- ۳۷..... سیر و سلوک
- ۳۸..... اذان
- ۳۹..... ناکجا آباد
- ۴۰..... گربه رقصانی
- ۴۲..... یک غزل انتظار
- ۴۳..... شعر ناب
- ۴۴..... که چه ۱۹

۴۵		بیخ زده
۴۶		لعتی
۴۷		لهجه ی سبز ترنم

• بخش دوم: رباعی ها

۵۱		حرمت
۵۱		کلک
۵۲		شوریده
۵۲		نیستان
۵۲		کوچه ی انتظار
۵۳		پایند
۵۳		جاده
۵۴		کوچه ی باران
۵۴		غفلت
۵۵		ای عشق
۵۵		ابر بهار
۵۵		برگ
۵۶		ولای دوست
۵۶		ارادت

• بخش سوم : دویستی ها

۵۹	نذر
۵۹	بهار
۶۰	سنگ
۶۰	باران
۶۱	شب زخم
۶۱	آدینه ها
۶۲	نگو
۶۲	چشمه
۶۳	جریمه
۶۳	نجابت
۶۴	باور
۶۴	پنبه

• بخش چهارم : نو نیمایی ، طرح ها

۶۷	زندگی دریاست ، باور کن
۷۰	خواهش یک دیدار
۷۲	آواز باران

۷۴.....	من معلم
۷۶.....	چهار طرح
۷۸.....	باد و آینه
۷۸.....	فاصله

• بخش پنجم : مثنوی ها

۸۱.....	ساقی نامه
۸۴.....	حشمت نامه

• بخش ششم : در منقب ائمه ی اطهار

۹۳.....	رحمه للعالمین
۹۴.....	صلوات
۹۵.....	شط
۹۶.....	شاهکار آفرینش
۹۸.....	محراب عشق
۱۰۰.....	عاشق ترین دلدار
۱۰۲.....	رباعی علی ^(ع)
۱۰۲.....	رباعی لطف ازلی
۱۰۳.....	واژه ی بی انتها

- بحر بی پایان ۱۰۵
- نسل سبزینه ها ۱۰۷
- امام آینه ها ۱۰۸
- معنای عشق ۱۱۰
- کربلای عاشقی ۱۱۲
- افق های مه آلود ۱۱۳
- غروب انتظار ۱۱۴
- طیب عشق (دویتی) ۱۱۶
- آدینه ها (دویتی) ۱۱۶
- چراغ روشن ویرانه ها (مثنوی) ۱۱۷
- حادثه ی عاشورا به روایت شعر (چهارپاره) ۱۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنن با مخاطبان آشنا

چون هوای تو به سر داشت دلم ، شاعر شد
قدمی سوی تو برداشت دلم ، شاعر شد
از سر لطف کمی خاک به او بخشیدند
ذره ای عشق در او کاشت دلم ، شاعر شد

سلام

شناسنامه ام دروغ نمی گوید، در سوم مرداد ماه ۱۳۳۹
در شهرستان شهریار به دنیا آمدم. از چه زمانی سرودن
شعر را آغاز کردم، نمی دانم، اما می توانم بگویم به دلیل
علاقه ی شخصی در سال دوم دبیرستان، علیرغم مخالفت
خانواده و دبیرانم، از رشته علوم تجربی به فرهنگ و ادب
تغییر رشته دادم و برای ادامه تحصیل به دبیرستان بوعلی
کرج رفتم و کار سرودن شعر و قطعه های ادبی نیز از
همین جا شروع شد. در دبیرستان انجمن ادبی کوچکی
بود که من عضو آن بودم و از پاهای ثابت آن، گاهی هم

شعرهایم را در کلاس درس می خواندم و بعضی از دبیران هم از سر لطف و محبت اشکالات آن را یادآور می شدند، متأسفانه از شعرهای آن دوره نه چیزی به یاد دارم و نه چیزی به شکل مکتوب باقی ست.

در آبان سال ۱۳۵۸ وارد تربیت معلم شدم و در سال ۱۳۶۰ پس از طی دوره ی دوساله ی تربیت معلم به استخدام آموزش و پرورش درآمدم و به عنوان دبیر مشغول به کار شدم که هنوز این افتخار را دارم که معلم. تشکیل کارگاه های شعر در تربیت معلم و شرکت در انجمن های ادبی کلان شهر تهران که در آن سال ها ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر جنبه ی سیاسی داشت و بعد از شروع جنگ تحمیلی جنبه ی حماسی، برایم بسیار مفید بود، چرا که در این محافل ضمن خواندن اشعار و سروده های بزرگان شعر و ادب کهن و معاصر، مجالی برای خواندن سروده های خود را نیز پیدا می کردم و شاهد نقد و بررسی آنها می شدم. تعدادی از آنها هم در مطبوعات به چاپ رسید.

پایان دوره در تهران و دوری از مراکز ادبی و فرهنگی باعث رکودی در کار شعر شد و این رکود تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. در سال ۱۳۶۷ وارد عرصه ی جدی شعر شدم و با همدلی و همکاری و همراهی دوست خوبم آقای «حشمت اله اسحاقی» و زنده یاد «زهرای دانشمایه» مبادرت به تشکیل اولین انجمن ادبی شهرستان با عنوان «انجمن ادبی اندیشه» کردیم که از آن دوره و فعالیت های آن خاطرات بسیار خوبی دارم. این انجمن عصرهای چهارشنبه در یکی از کلاس های درس دبیرستان بصیرت در شهرک اندیشه برگزار می شد و دوستان صاحب ذوق و اهل ادب به قرائت آخرین سروده های خودشان می پرداختند و کم کم محلی برای عرضه ی آثار شاعران شهرستان شد. این فعالیت سال ها با همین ترکیب ادامه داشت و بعد با راه اندازی «فرهنگسرای شهریار» کلاس های نقد و بررسی شعر در آنجا تشکیل وبه همت جناب آقای اسحاقی «انجمن ادبی شهریار» راه اندازی شد که این انجمن فعالیت بسیار چشمگیری در سطح شهرستان و در روزهای چهارشنبه دارد. هم اکنون نیز با دوستان

خوبم اسحاقی، حسین تقوی، امید نقوی و نصرتی عضو شورای شعر و ادب شهرستان هستیم که زیر نظر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان شهریار می باشد و ما حاصل این فعالیت برگزاری شب های شعر فصلی، انتشار نشریه «طلیعه» و کتاب «شعر امروز شهریار» می باشد.

گزیده ای از شعرهای خودم را در گذشته در سه مجموعه با عناوین «سه دفتر در سال ۱۳۷۶»، «فصل نور در سال ۱۳۷۹» «یک نیستان در سال ۱۳۸۲...» جمع آوری کرده بودم که آنها را به دست چاپ بسپارم، اما بنا به ملاحظاتی این کار انجام نشد. سروده های این مجموعه برگزیده هایی از آنها همراه با سروده هایی جدید می باشد که تقدیم خوانندگان می کنم.

احمد فرجی

شهرستان شهریار - شهرک اندیشه

پائیز ۱۳۸۴